
تأثیر فضاهای جنسیتی شده بر احساس امنیت زنان نمونه‌های موردی میدان مادر و میدان راه آهن

مریم السادات عرشی‌ها*، دکتر آتوسا مدیری**

چکیده:

هدف اصلی پژوهش، شناخت تأثیر فضاهای جنسیتی شده بر احساس امنیت زنان و ارائه نقشه‌های شناختی آنان در فضا است که بر پایه نظریات رندل^۱، کاتبرت^۲، لوفور^۳، تانکیس^۴، والتین^۵، کاسکلا و مسی^۶، پین^۷، کارپ استون و یولز^۸ تنظیم شده است. جامعه آماری این پژوهش دو میدان مادر و راه آهن است و حجم نمونه ۳۳۶ نفر از زنان استفاده کننده از میدان هستند. روش تحقیق از نوع تبیینی-توصیفی و آزمون نظریه است. روش جمع آوری اطلاعات به صورت پیمایشی (تلفیقی از پرسشنامه و مشاهده منظم) است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا هر یک از متغیرها با روش تحلیل عاملی به چندین عامل دسته بندی شدند، سپس تأثیر هر یک از عوامل با روش رگرسیون چندمتغیری مورد سنجش قرار گرفت و در آخر نقشه‌های شناختی زنان از احساس امنیت و فضاهای جنسیتی شده به صورت توصیفی نمایش داده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: اولاً در یک فضای جنسیتی شده، احساس امنیت زنان کاهش می‌یابد و رابطه‌ای معکوس میان این دو متغیر وجود دارد. ثانیاً تصویر ذهنی زنان از فضاهای شهری حول دو مفهوم کلیدی احساس امنیت و ترس از فضا شکل می‌گیرد و این می‌تواند بر حرکت و تحرک پذیری زنان تأثیر گذار باشد.

کلید واژه‌ها:

فضاهای جنسیتی شده، احساس امنیت زنان، تصویر ذهنی و شناختی زنان از فضا.

* دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری، تهران، ایران.

** دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری، تهران، ایران. E mail: at_modiri@yahoo.com

¹ Rendell

² Cuthbert

³ Lefebvre

⁴ Tonkiss

⁵ Valentine

⁶ Koskela & Massey

⁷ Pain

⁸ Karp, Stone & yoels

مقدمه

در عرصه عمومی‌بیشترین تعامل و کنش میان انسانها روی می‌دهد و روابط جنسیتی میان افراد شکل می‌گیرد. این روابط گاه تحت تأثیر قدرت، عملکردها و فرایندهای اجتماعی در طول زمان خاصیت جنسیتی شده به خود می‌گیرند. به علاوه، این روابط در خلایی پوچ و بدون مکان و فضا شکل نمی‌گیرد، بلکه در طول زمان گسترش می‌یابد و ویژگی‌های تاریخی، فیزیکی و نمادین در فضا به جا می‌گذارند (کاتبرت، ۲۰۰۶: ۱۳۷). بنابراین رابطه میان جنسیت و فضا حائز اهمیت است. فضاهای جنسیتی شده مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی بر فضاهای شهری تأثیرگذار هستند و مهم‌ترین تأثیر آن از دیدگاه پژوهش حاضر، احساس امنیت زنان در این فضاها است و اینکه ارتباط آنها با فضاهای شهری براساس احساس امنیتشان از فضا، نقشه‌های ذهنی و شناختی شان را در فضا شکل می‌دهد. موضوع امنیت نیز از وجوه مختلف قابل بررسی است. به عنوان مثال در علوم اجتماعی، روان‌شناسی، علوم قضا و حقوق نیز این مسئله مورد بررسی قرار گرفته است و البته هر یک از موضع دیدگاه خود به موضوع پرداخته‌اند. این مسئله چندی است که در عرصه برنامه ریزی و طراحی شهری نیز مورد توجه قرار گرفته است. اما به دلیل اینکه عموماً زنان، کودکان، سالخوردگان و معلولان گروه‌های آسیب پذیر شناخته شده، لذا لازم است امنیت زنان به عنوان یکی از گروه‌های استفاده کننده از فضاهای شهری مورد مطالعه قرار گیرد. موضوع اصلی و سؤال کلیدی این پژوهش، احساس امنیت زنان در فضاهایی است که تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله جنسیت و غیره خاصیت جنسیتی شده به خود گرفته‌اند و اینکه این گونه فضاها چه تأثیری بر احساس امنیت زنان بر جای می‌گذارد.

بیان مسأله

فضای عمومی را می‌توان فضایی تعریف کرد که اجازه می‌دهد مردم به آن دسترسی داشته باشند و فعالیت‌هایی در آن صورت پذیرد (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۲۷۱-۲۶۶). مسئله مهم در پژوهش حاضر این است که برخی از فضاهای شهری به دلایل متفاوت برای یک جنس مناسب و برای جنس دیگر شاید نامناسب و سخت باشد. بدین ترتیب تعاملات و کنشها هم دچار مشکل می‌شود و دسترسی آزادانه برای هر دو جنس وجود ندارد. عوامل متعددی از قبیل عملکردها، الگوها و فرایندهای اجتماعی در طول زمان می‌توانند بر فضا تأثیر بگذارند، به گونه‌ای که فقط نیاز بخشی از افراد (مردان) مدنظر قرار می‌گیرد و بخش دیگر (زنان) نادیده گرفته می‌شوند. مسئله جنس و جنسیت در شهر تنها بیانگر این نیست که چه نوع بدنی در خیابان قدم می‌گذارد، بلکه، محیط‌های اجتماعی و فیزیکی که در آن ساکن می‌شوند و آن را باز تولید می‌کنند نیز مربوط می‌شود. به این معنی، خیابان است که جنس یا جنسیت یافته است نه شخصی که از آن استفاده می‌کند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

امروزه اکثر فضاهای شهری ماهیتی جنسی شده یافته‌اند، یعنی عملاً فضای شهری در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کند. زنان و بسیاری از اقشار و گروه‌های اجتماعی نه تنها از حق طبیعی خود، یعنی بهره‌مندی از فضاهای عمومی شهر محروم‌اند، بلکه به دنبال آن از سهم شدن در فرایند مشارکت و فعالیتهای اجتماعی نیز باز می‌مانند (تمدن، ۱۳۸۷: ۲۳). این گونه فضاها می‌توانند تأثیراتی بر محیط بگذارند و نتایجی به همراه داشته باشند، مثلاً کیفیت محیط، دسترسی و نفوذپذیری، خوانایی، حس مکان، همگان پذیری فضا و غیره را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. یکی از مسائلی که در فضاهای جنسیتی شده وجود دارد عدم احساس امنیت زنان در این فضاهاست. بنابراین موضوع اصلی این پژوهش احساس یا عدم احساس امنیت زنان است و قصد بر این است که، این موضوع در محدوده منتخب مورد مطالعه (میدانی) که دو میدان با اهمیت تهران محسوب می‌شوند و روزانه پذیرای انبوهی از جمعیت سواره و پیاده یا مقصد سفرهای درون شهری هستند، مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در این محدوده‌ها تنوع و تراکم کاربری‌های شهری و وسایل نقلیه بسیار چشمگیر است و مسلماً روزانه درصد عظیمی از جمعیت این مناطق را زنان به خود اختصاص می‌دهند. یکی از میدان‌ها، میدان راه آهن است با انبوهی از عوارض و مشکلات، مانند احساس ناامنی برای زنان و ناکارآمدی محیط و به طور کلی پایین بودن کیفیت فضا. دیگری میدان مادر است که به لحاظ جغرافیایی و عملکردی و به عنوان یک میدان پر رفت و آمد کاملاً با نمونه اول متفاوت است، و به نظر می‌رسد اینجا در مقایسه با نمونه اول کمتر شاهد عوارض و مشکلات باشیم. در واقع احساس ناامنی و ترس در این دو مکان تفاوت‌هایی دارد و این سؤال مطرح می‌شود که چرا احساس امنیت در دو فضا متفاوت است؟ آیا جنسیتی بودن فضا در یک میدان و جنسیتی نبودن آن در دیگری می‌تواند با وجود یا عدم وجود احساس امنیت در زنان ارتباطی پیدا کند؟ اما مسأله نحوه اثرگذاری فضاهای مذکور (جنسیتی شده) بر جمعیت محاط در این فضاها و حس امنیت زنان است. مسلماً مسأله ضعف امنیت در یک مکان (متروک و مرده نظیر حومه‌های شهری) نمی‌تواند زیاد تعجب برانگیز باشد، اما این مسأله در مورد فضای فعالی نظیر محدوده‌های منتخب بسیاری برای بررسی و ریشه یابی خواهد داشت. چگونگی جنسیتی شدن فضا حائز اهمیت است اما هدف این پژوهش را در بر نمی‌گیرد، بلکه در این پژوهش نشانه‌ها و شاخصهای تشکیل دهنده آن براساس دیدگاه نظریه پردازان این حوزه، اهمیت دارد و فقط چندین شاخص تأثیرگذار در فضای جنسیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سوالات پژوهش عبارت‌اند از:

۱. آیا تأثیر فضای جنسیتی شده بر احساس امنیت زنان در هر یک از نمونه‌ها متفاوت است؟
۲. چگونه ادراک زنان از احساس امنیت و فضای جنسیتی شده نقشه‌های ذهنی و شناختی آنان از فضا را شکل می‌دهد؟

۱. تعیین تأثیر فضای جنسیتی شده بر ادراک زنان از امنیت، ۲. مقایسه تأثیر هر یک از عوامل فضای جنسیتی شده بر احساس امنیت زنان در میدان مادر و راه آهن و ۳. تعیین نقشه‌های ذهنی و شناختی زنان از احساس امنیت در میدان مادر و راه آهن.

بیان مفاهیم و چارچوب نظری

بخش اول، جنس و جنسیت^۱: جنس مذکر و مؤنث نشان دهنده تفاوت بیولوژیکی میان بدن است و این تفاوت‌های جنسی غالباً تفاوت‌هایی طبیعی‌اند (رندل، ۲۰۰۰: ۱۵). آنچه از تفاوت‌های جنسی در هر دو جنس دیده می‌شوند همگی ناشی از تفاوت کروموزوم جنسی‌اند. جنس فقط معنای زیست شناختی دارد، یعنی شخص از نظر پیکر شناسی مرد است یا زن (آبوت، ۱۳۸۸: ۳۱). اما واژه جنسیت یک مقوله اجتماعی است و با واژه جنس که عموماً برای بیان همان مقوله فقط از دیدگاه زیست شناسی به کار می‌رود تفاوت دارد. جنسیت مردانه و زنانه، به مجموعه تفاوت‌های اجتماعی میان مردان و زنان اشاره دارد. از این رو تفاوت‌های جنسیتی اگرچه مبتنی بر تفاوت‌های جنسی‌اند، معمولاً اختلافات اجتماعی، فرهنگی و تاریخی را دربر می‌گیرند و بسته به زمان و مکان تغییر می‌کنند (رندل، ۲۰۰۰: ۱۵). جنسیت مشمول رفتارها، اندیشه‌های اجتماعی و کنش‌هایی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد، از این رو در مورد نقش‌های جنسیتی هر دو جنس افکار قالبی در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات از هر دو را طرح ریزی و تعیین می‌کند (نرسیسیانس، ۱۳۸۰: ۳۸). بنابراین لازم است افراد را فراتر از جنس بیولوژیکی آنان در نظر بگیریم به طوری که جنسیت مردانه و زنانه آنها دارای اهمیت است.

فضای شهری: لوفور سه بُعد فضاهای دریافتی، فکری و زیستی را سه لحظه فضای اجتماعی می‌داند که دارای روابط دیالکتیک‌اند: ۱. عمل فضایی^۲: (فضای دریافتی) رویه مکانی و مربوط به شیوه تولید فیزیکی فضا است. رویه مکانی یا عمل فضایی معرف فضای فیزیکی است. ۲. بازنمایی فضایی^۳: (فضای فکری) فضای مفهومی شده است و به فضای دانشمندان، برنامه ریزان، شهرسازان، تفکیک کنندگان تکنوکرات و مهندسان اجتماعی مربوط است. این "فضای غالب در جامعه" است، تمایلش به سوی نظامی از نمادهای زبانی است و بدین دلیل روی آنها عقلایی کار می‌شود و معرف فضای ذهنی است. ۳. فضای بازنمودی^۴: (فضای زیستی) فضایی است که با تصاویر و نمادهای همراهش، مستقیماً در آن زیست می‌شود و از این رو فضای ساکنان و مصرف کنندگان است و با ابزارهای غیر کلامی درک می‌شود. فضای بازنمودی فضایی مغلوب است و از این رو تجربه فضای

¹ Sex & Gender

² Spatial practice

³ representation of space

⁴ representational of space

مفعولی است که با فضای فیزیکی تداخل می‌کند و اشیای آن را به عنوان نماد مورد استفاده قرار می‌دهند (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۲۴).

جنسیت و فضا، فضای جنسی و جنسیتی: مباحث مربوط به روابط جنسیتی و فضا در علوم مختلف معماری، جغرافیا، هنر، فلسفه و انسان شناسی مطرح شده است. انسان‌شناسی یکی از اولین رشته‌های علمی بود که به رابطه میان جنسیت و فضا پرداخت و این سؤال‌های اساسی را بررسی کرد که آیا رابطه مزبور از طریق روابط قدرت تعریف می‌شود یا خیر؟ و چگونه روابط قدرت در محیط ساخته شده نقش می‌بندد؟ این کار را انسان‌شناسان فمینیست بر روی حوزه‌های عمومی و خصوصی، شبکه‌های خویشاوندی و روابط متقابل اجتماعی انجام دادند. برای مثال می‌توان به اقدامات شرلی آردنر^۱ اشاره کرد که در مطالعات خود به بررسی فضاهای اختصاصی مردان و زنان از نظر فرهنگی، نقش خاص فضا، نماد سازی، حفظ و تقویت روابط جنسیتی می‌پردازد. موضوعی که مطرح می‌شود، نحوه تولید فضایی است که به وسیله روابط جنسیتی و روابط قدرت حاکم به صورت اجتماعی، فرهنگی و فضایی، شکل می‌گیرد (رندل، ۲۰۰۰: ۱۰۱) و منجر به نابرابری جنسیتی شده است. نمود این نابرابری در ابعاد مختلف قابل مشاهده و درک است، به عنوان مثال در محیط کار، محیط‌های اجتماعی و ساختار بندی فضایی نقش‌های جنسیتی (مردان شغل‌های مدیریتی و زنان مشاغل پایین‌تر را اشغال می‌کنند) قابل ملاحظه است و البته در این بُعد بیشتر وضعیت اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا مورد توجه قرار می‌گیرد (کاتبرت، ۲۰۰۶: ۱۳۷). اما موضوعی که در این پژوهش اهمیت دارد نمود این نابرابری‌ها در فضا و نتیجه آن یعنی جنسیتی شدن فضا و کدگذاری‌های جنسیتی است. از نظر کاستلز^۲، تفاوت جنسیتی بازتاب برتری اقتصادی مردان در برابر زنان و قدرت رو به افزایش آنها در تأمین مسکن و بازار کار و خانه است. مردان، به راحتی می‌توانند مدعی فضای شهری باشند. به طوری که خواست قدرت برای مردان، نوعاً با خواست فضا درگیر می‌شود. او معتقد است مردان همواره در جستجوی اعمال سلطه بوده‌اند، و یکی از تظاهرات این سلطه، فضایی بوده است. مردان همجنس خواه با پیوند زدن طلب سیاسی با طلب فضایی، تمایل مردانه خود را تحت سلطه درآوردن فضا را عملی می‌کنند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۷۰). از نظر کاتبرت کل ساختار شهر براساس سرمایه-داری مردسالارانه شکل گرفته است. الگوی منطقه بندی کاربری اراضی، مثل فرم، موقعیت و نوع مناطق مسکونی، شبکه‌های حمل و نقل، فضای باز عمومی، روابط میان کار و خانه ناشی از انتظارات و ارزش‌های مردسالارانه است (کاتبرت، ۲۰۰۶: ۱۳۷). اگر به طور خلاصه مطرح کنیم، با در نظر گرفتن دیدگاه رندل در خصوص رابطه جنسیت و فضا و اگر روابط جنسیتی به صورت اجتماعی، فرهنگی و فضایی شکل بگیرد، آنگاه دو مسئله کلیدی مطرح خواهد شد: پیدایش روابط جنسیتی در

¹ Shirley Ardner

² Castells

فضا و نیز تجلی روابط فضایی در شکل‌گیری جنسیت (زندل، ۲۰۰۰:۱۰۲). سوالی که در اینجا پیش می‌آید اینست که:

آیا فضا جنسی است؟ آیا فضا جنسیتی است؟ اگر چنین است جنسیتی شدن آن چگونه صورت می‌گیرد؟ فضا به طرق زیر جنسیتی می‌شود: ۱. از طریق اقدامات عامرانه مربوط به طراحی معماری بر طبق جنسیت طراح ۲. از طریق نحوه استفاده از فضا. مکانهای خاص ممکن است بر اساس جنس بیولوژیکی افرادی که آنها را اشغال می‌کنند خصوصیات جنسی پیدا کنند. یا براساس فعالیت‌های مختلفی که در آن انجام داده می‌شود جنسیتی شوند. به عنوان مثال، توالتهای به صورت مؤنث و مذکر جنسی شده است، چرا که مردان، زنان از آنها استفاده می‌کنند، در حالی که به آشپزخانه منازل جنسیت زنانه داده می‌شود چرا که فعالیت آشپزی از لحاظ اجتماعی امری است که به خانمها مربوط می‌شود. در مقابل آشپزخانه یک رستوران عمومی را فرض کنید که در آن پخت و پز را معمولاً سرآشپزی انجام می‌دهد که مرد است ۳. از طریق عملکرد فضا و ۴. از طریق نمایش عملکرد فضا (بازنمایی فضایی) (زندل، ۲۰۰۰:۱۰۱). کار فیلسوف نو مارکسیست لوفور، چارچوب نظری مفیدی در اختیار می‌گذارد که نشان می‌دهد چگونه بازنمایی به تولید کردن و تولید شدن به وسیله فضای اجتماعی کمک می‌کند. لوفور معتقد و علاقه مند به این واقعیت بود که فضا همان طور که به طور مادی تولید می‌شود، به صورت مفهومی نیز تولید می‌گردد (زندل، ۲۰۰۰:۱۰۳). بازنمایی همان ایدئولوژی‌هایی (فضای ذهنی دانشمندان، برنامه ریزان و شهرسازان، فضای غالب در جامعه) است که به صورت عملکرد فضا، در فضای شهری نمایش داده می‌شود.

برای مثال درباره جنسیتی شدن فضا از طریق نمایش عملکرد فضا می‌توان ۱. به نقاشی دیواری *سالا دی ماسی*^۱ اثر *فرانچسکو دلاکوسا*^۲ اشاره کرد ۲. نظریات تاریخ نگار هنری، *پولاک*^۳ را ملاحظه کرد. او به شدت از نظریه علائم رمزی و روانکاوی فمینیستی برای در نظر گرفتن رابطه زنان با فضا، استفاده کرده است. این مسئله از طریق نمایش‌های بصری در نقاشی‌های نقاشان امپرسیونیست مذکر مطرح شده است. *پولاک*، سه شیوه تفکر درباره جنسیت و فضا را در نمایش‌های بصری مورد بحث قرار می‌دهد: جنسیتی کردن مکان مجسم شده، جنسیتی کردن کدهای نمایشی، جنسیتی کردن زمینه ایدئولوژیکی. ۳. جنسیتی شدن فضا را می‌توان در سامانه‌های بصری مشاهده و ارزیابی کرد، همان طور که فمینیست‌ها از علائم رمزی و روانکاوی برای بحث درباره چگونگی تشکیل تفاوت جنسیتی از طریق روابط مطلوبیت و میل داشتن، نگاه کردن و هدف نگاه دیگران بودن - حالت تماشای زنانه و خیره شدن مردانه - استفاده کرده‌اند. غلبه مضمون مذکر در سامانه‌های بصری دارای

¹ Sala di masi

² Francesco del cosa

³ Pollock

انشعابات است برای جنسیتی کردن فضاهای شهری، ایجاد عملکردهای جنسیتی در فضاهای شهری به گونه‌ای که فقط مردان می‌توانند به آن نگاه کنند و زنان به عنوان اهداف استفاده بصری مورد تماشا قرار می‌گیرند (زندل، ۲۰۰۰: ۱۰۵). ۴. نافذترین و فراگیرترین نمایش عملکرد فضاهای جنسیتی، حوزه‌های مجزا (عمومی/خصوصی) هستند. یک سامانه متقابل و سلسله مراتبی شامل تسلط حوزه عمومی مرد بر قلمرو تولید (شهر) و تابعیت حوزه خصوصی زن از یک باز تولید (خانه) است. اساس این ایدئولوژی که شهر را از خانه، عمومی را از خصوصی، تولید را از باز تولید و مردان را از زنان جدا می‌کند، سرمایه‌داری و مردسالاری است. می‌توان تقسیم بندی‌های جنسیتی فضا را به عنوان نمود کدگذاری‌های جنسیتی نام برد. این کدگذاریها می‌تواند علاوه بر حوزه‌های مجزای فضای عمومی و خصوصی، به شکل قوانین منطقه بندی (یلدا، ۱۳۸۰: ۱۹)، حومه و شهر (ویلسون، ۲۰۰۰: ۱۵۲)، (استیونسون، ۱۳۸۸: ۷۶) و (کاتبرت، ۲۰۰۶: ۱۳۶) یا براساس طبقه اجتماعی، نژاد و قومیت (نوپ، ۲۰۰۰: ۱۹۶)، شکل بگیرد.

بخش دوم، امنیت^۱ و احساس امنیت: مفهوم امنیت باز می‌گردد به دفاع یا حفاظت از خود، خانواده، دوستان و اموال. مفهوم امنیت در فضای شهری از یک سو با جرم ارتباط پیدا می‌کند، اگرچه با آن بسیار متفاوت است و از سوی دیگر با مفهوم بزه دیده و ترس از وقوع بزه. از نظر علمی درک اثرات جرم، یعنی ترس از وقوع جرم به اندازه خود آن، یعنی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارد (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۴). در فرهنگ آکسفورد کلمه safety به مفهوم تأمین، محفوظیت، سلامت و اطمینان، بی‌خطری و ایمنی معنی شده است و کلمه security به معنی امنیت، ایمنی، اطمینان، تأمین، آسایش، راحتی، وثیقه، تضمین و خاطر جمعی آمده است. هر چند در این فرهنگ لغت هر دو دارای معنی مشابهی هستند، در متون شهرسازی یکی به معنی ایمنی و یکی به معنی امنیت است.

ابعاد امنیت: امنیت دارای دو بُعد است. یک بُعد عینی که به کمیت جرائم، آسیب‌ها و نا هنجاریهای اجتماعی در جامعه می‌پردازد (تاجیک، ۱۳۸۰: ۱۲۸). یک بُعد ذهنی که بیشتر ناشی از احساس افراد در مورد وجود یا عدم وجود امنیت است و به احساس یک جامعه از امنیت بازمی‌گردد و در واقع کاهش وقایع نامناسب لزوماً منجر به افزایش نسبی احساس امنیت نمی‌شود (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸: ۲۹۷). احساس امنیت مربوط به بُعد ذهنی است، اما با بُعد عینی آن نیز ارتباط دارد. رابطه بُعد عینی و ذهنی امنیت را می‌توان این گونه بیان کرد که کنشگران در انجام دادن کنش با مراجعه به ذهنیت روان شناختی و تاریخی خود به تصمیم‌گیری و اجرای کنش می‌پردازند (بیات، ۱۳۸۸: ۱۷). پیر بوردیو^۲ هم اعتقاد دارد، در یک سو ساختارهای عینی قرار می‌گیرند که مبنای صورتهای ذهنی را تشکیل می‌دهند و الزامهای ساختاری را که بر کنشهای متقابل وارد می‌شوند

¹ security

² Pierre Bourdieu

تعیین می‌کنند، و از سوی دیگر، اگر کسی خواسته باشد به بررسی تلاش‌های روزانه فردی و جمعی بپردازد که در جهت تغییر یا حفظ این ساختارها عمل می‌کنند، باید این صورتهای ذهنی را در نظر بگیرد (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۱۶؛ بوردیو، ۱۹۸۹: ۱۵؛ مبارکی، ۱۳۸۳: ۲۷). در پژوهش موجود، قصد داریم بعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) را مورد بررسی قرار دهیم.

کارمونا^۱ احساس امنیت را این طور تعریف می‌کند: "حفاظت" از خود، خانواده و دوستان، اموال شخصی و عمومی. فقدان امنیت، آگاهی از خطر و ترس از قربانی شدن، هم استفاده از قلمرو عمومی و هم ایجاد محیطهای موفق شهری را مورد تهدید قرار داده است (کارمونا، ۱۳۸۸: ۱۰۶). براساس تعریف یاد شده نتیجه می‌گیریم که نمی‌توان احساس امنیت را از ترس و اضطراب، جدا دانست و اینکه ترس، در نتیجه احساس عدم امنیت ایجاد می‌شود. بنابراین در پژوهش حاضر توجه ویژه‌ای به مقوله ترس شده و هر جا صحبت از احساس امنیت می‌شود، منظور ترس است و بالعکس.

جدول شماره ۱: عوامل موثر بر احساس امنیت زنان

رویکردهای امنیت محیط شهری	توضیحات
رویکرد کالبدی امنیت محیط شهری	<p>کاربری‌ها و فعالیت‌های ناشی از آنها: محله‌هایی که کاربری‌های متنوعی نظیر تجاری، اداری و تفریحی دارند نسبت به محله‌هایی که فقط تک کاربری هستند امن ترند. نواحی چند کارکردی در طول روز و شب شهروندان را به خود جذب می‌کنند و بدین وسیله نظارتی غیر رسمی فراهم می‌نمایند. برعکس فعالیت مجرمان در اماکن خلوت بیشتر جریان می‌یابد (جاکوبز، ۱۳۸۹: ۷۸)</p>
	<p>دسترسی پذیری: حفظ امنیت شهر در خیابان‌ها و پیاده راه‌های یک شهر وظیفه اساسی است. وضوح مسیر در روز و شب، حذف موانع فیزیکی و کاربری مزاحم در طول مسیر پیاده راهها، طراحی مناسب در سطح پیاده راهها، استفاده از کف پوش سالم باعث می‌شود عابران پیاده با امنیت بیشتر از این فضا استفاده کنند (جاکوبز، ۱۳۸۹: ۷۸). دسترسی داشتن به کمک و تجهیزات امدادی (حتی اگر نمادین باشند) موجب احساس آرامش و امنیت ذهنی می‌شود (www.pps.org,2005).</p>
رویکرد اجتماعی امنیت محیط شهری	<p>روشنایی: مهم‌ترین ویژگی شرایط آلودگی رفتاری و جرم خیزی در زمان شب، تاریکی و کم نوری و توزیع نامناسب سامانه روشنایی است که بر محیط حاکم می‌شود (پودراتچی، ۱۳۸۱: ۹۲).</p>
	<p>تراکم جمعیت. فضاهای متراکم از انبوه جمعیت ناآشنا و غریبه، محیطی مساعد برای تخطی از قواعد و هنجارهای زندگی شهری فراهم می‌کند و زمینه بزهکاری و جرم و جنایت را به وجود می‌آورد (شکویی، ۱۳۷۴: ۱۰۲). در سنجش دو متغیر فضاهای شلوغ و خلوت نمی‌توان به یک خط مشی واضح دست یافت و در نتیجه کنترل روابط حاکم بین جمعیت استفاده کننده از یک محیط شهری و امنیت آن مکان بسیار پیچیده خواهد بود (کاسکلا و پین، ۲۰۰۰: ۲۹۱).</p>
	<p>نظارت اجتماعی: نظارت از طریق مردمی که در فضا حرکت می‌کنند، تأمین می‌شود و حضور مردم چه غریبه و چه آشنا، احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقا می‌دهد و وسیله‌ای است که به کمک</p>

¹ Carmona

آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد. جاکوبز نیاز به چشم‌های نظاره گر صاحبان طبیعی، هم ساکنان و هم استفاده کنندگان مؤثر در نظارت می‌داند، این نظارت می‌تواند با استفاده از تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم را جذب می‌کند تقویت شود (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۷).

ابعاد زمانی: حتی تاریکی شب که یک عنصر "طبیعی" اختلاف محیطی است، غالباً سبب ترس از جرم می‌شود (کاسکلا و پین، ۲۰۰۰: ۲۷۴).

شهرت مکان: بعضی از مکان‌ها نه به دلیل ساختار خود، بلکه به دلیل شهرت داشتن در میان زنان ترسناک هستند. چنین تصاویری در تصمیم‌گیری در مورد اینکه بهتر است از کدام مناطق اجتناب نمود، نقش اساسی دارند و در واقع این جنبه‌های اجتماعی مکان است که در خلق این تصاویر نقش دارد. در مورد برخی از مکانها، این تصور که "بد" یا "خشن" هستند کافی است. "شما ممکن است به طور ناخودآگاه از برخی مکانها اجتناب کنید نه الزاماً به دلیل اینکه می‌ترسید، بلکه به دلیل اینکه تصویر ناخوشایندی از آنها دارید (کاسکلا و پین، ۲۰۰۰: ۲۹۲).

خوانایی فضاهای شهری: وقتی فضایی خواناست به احساس راحتی و امنیت کمک می‌کند و بر عکس هنگامی که علائم راهنما وجود ندارند و فضا گیج‌کننده است، احساس امنیت از بین می‌رود (روس، ۲۰۰۶: ۲۵).

تجربه: در محیط ساخته می‌شود اما همیشه درک ترس از جرم، به تجربه جرم یا کنترل مستقیم آن متکی نیست، بلکه بیشتر به این مسئله وابسته است که زنان، فضای شهری را چگونه تفسیر می‌کنند و تجربه آنان از فضای شهری چگونه است (فیف و بنیستر، ۲۰۰۱: ۸۰۹).

بخش سوم، رابطه فضای جنسیتی شده و احساس امنیت زنان: ارتباط دوگانه زنان با شهر بر حسب آزادی و خطر، فراتر از رمزآمیز کردن نمادین فضا است. این رابطه به تصمیمات حیاتی و مهم درباره عمل فضایی منجر می‌شود. در این زمینه، جغرافیای جنس در شهر نه فقط مستلزم مرزهای آزادی است، بلکه به نقشه‌های خطر نیاز دارد. عمومی‌ترین نوع ترس زنان از جرم، ترس خاص آنان از تجاوز جنسی و حمله به قصد عمل جنسی و انواع دیگری از رفتارهای احتمالی ناخوشایند است. اما چیزی که در اینجا مهم است ماهیت جنسی شده احساس زنان از خطر است. ترس زنان در این باره بر پایه احساس آسیب‌پذیری آنها در برابر مردان جنسی شده است و تهدید جرائم مربوط به جنس آن را احاطه کرده است. ترس زنان از این گذشته فضایی شده است. ادراکات آنها از خطر دارای یک جغرافیای خاص است. "جغرافیای ترس زنان" نقشه فضاهای جنسی شده‌ای را در اختیار ما می‌گذارد که اشتراکات نمادین بر هر دو تأکید کرده‌اند و از طریق عملکردهای فضایی بازتولید می‌شود. این یک جغرافیای ذهنی و عملی است که بر زنان تأثیر می‌گذارد تا به گونه‌ای خاص فضای شهر را درک کنند و آن را به کار برند. این جغرافیا در دو سطح عمل می‌کند: در چارچوب گروه‌های مختلفی که فضای شهری را اشغال می‌کنند و در چارچوب طرقی که فضا در طی زمان تغییر می‌کند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۶۱). والتین معتقد است که زنان فضا را زمانی به عنوان مکان خطر دریافت

¹ Symbolic coding of space

می‌کنند که رفتار مردم (به ویژه رفتار مردان) به گونه‌ای بی‌نظم به نظر برسد. نقشه‌های شناختی زنان از ایمنی و خطر، هر دو حول جغرافیای اجتماعی خاص پیگیری می‌شود و محیط فیزیکی شهر آن را شکل می‌دهد. این محیطی است که می‌تواند در نبود نیازهای فضایی و امنیت استفاده‌کنندگان مؤثّر به شکل بارزی "جنسی" شده به نظر آید. والتین اولین فردی بود که وابستگی ترس زنان از جرایم خشونت‌ی به فضا را مشخص کرد و در مطالعه مربوط به زنان این امر را به نابرابری جنسیتی مرتبط ساخت. وی بیان می‌دارد که ارتباط ترس از مکان‌های عمومی و اقدامات احتیاطی که زنان باید به واسطه آن اتخاذ نمایند متشکل از "توصیف فضایی مرد سالاری‌اند"، انتشار مفاهیم معمول درباره نقش زنان و مکان‌هایی است که برای استفاده آنها مناسب در نظر گرفته شده است (پین، ۱۹۹۵: ۲۳۴). آنچه کارپ، استن و یولز^۱ "ماهیت جنسی شده فضای شهری" می‌نامند در نحوه عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک پذیری زنان قابل مشاهده است این محدودیت به لحاظ فیزیکی با القای الگوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس و دسترسی محدود شده اعمال می‌شود و به لحاظ اجتماعی با انگاره‌هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری ارتباط دارد (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۱۲۶). کاسکلا ترس زنان را بازتابی از ساختارهای قدرت جنسیتی جامعه بزرگ‌تر می‌داند و ترس از جنایت را صرفاً ناشی از جرم نمی‌داند، بلکه آن را نشانه‌ای از مناسبات قدرتی که زنان در آن قرار گرفته‌اند تلقی می‌کند (کاسکلا، ۱۹۹۷: ۳۰۴). تانکیس معتقد است تفاوت جنسی و نابرابری جنسیتی در شهر در جغرافیای خشونت علیه زنان ظاهر می‌شود. و از آنجا که ترس زنان از خشونت مردانه همچون ترس از فضا هویدا می‌گردد، جنسی شدن فضا در جغرافیای خشونت به ویژه آشکار می‌شود (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۶۱). پین در این زمینه نشان می‌دهد که پیامدهای ترس زنان از جرایم خشونت بر رفتار آنها در فضا، نه تنها ساختار روابط جنسیتی را منعکس می‌کند، بلکه آنها را تقویت نیز می‌نماید (پین، ۱۹۹۵: ۲۳۷).

ارائه چارچوب نظری

جدول شماره ۲: چارچوب نظری

نظریه پرداز	نظریه
تانکیس	عمومی‌ترین نوع ترس زنان از جرم، ترس خاص آنان از تجاوز جنسی و حمله به قصد عمل جنسی و انواع دیگری از رفتارهای احتمالی ناخوشایند است. ترس زنان در این باره بر پایه احساس آسیب پذیری آنها در برابر مردان جنسی شده و تهدید جرائم مربوط به جنس آن را احاطه کرده است. ترس زنان از این گذشته فضایی هم شده است.
	جغرافیای ترس زنان "نقشه فضاهای جنسی شده را در اختیار ما می‌گذارد. این یک جغرافیای ذهنی و عملی است که بر زنان تأثیر می‌گذارد تا به گونه‌ای خاص فضا را در شهر درک کنند و آن را به کار

برند. این جغرافیا در دو سطح عمل می‌کند: در چارچوب گروه‌های مختلفی که فضای شهری را اشغال می‌کنند و در چارچوب طرقي که فضا در طی زمان تغییر می‌کند
تانکیس دربارهٔ تأثیر جنسیتی شدن فضا بر احساس امنیت زنان معتقد است، عمومی‌ترین ترس زنان و احساس عدم امنیت آنان در فضا ناشی از ترس از خطرهای احتمالی از سوی مردان است و نکتهٔ مهم ماهیت جنسی شده احساس زنان از خطر است.

تفاوت جنسی و نابرابری جنسیتی در شهر در جغرافیای خشونت علیه زنان ظاهر می‌شود. و از آنجا که ترس زنان از خشونت مردانه همچون ترس از فضا هویدا می‌گردد، جنسی شدن فضا در جغرافیای خشونت به ویژه آشکار می‌شود.

والنتین علاوه بر فضایی بودن ترس زنان از خشونت‌های مردان، بر عامل زمان هم تأکید می‌کند و معتقد است زمان در میزان ترس زنان مؤثر است. او علاوه بر عامل فضا و زمان، رفتار مردم به ویژه مردان را هم در نظر می‌گیرد و می‌گوید زمانی که رفتار مردان در فضاهای باز یا بسته (فضاهای جنسیتی) بی‌نظم به نظر برسد، زنان فضا را مکانی خطرناک در نظر می‌گیرند. در نهایت او جغرافیای اجتماعی و فیزیکی را به طور همزمان در نقشه‌های شناختی زنان از خطر مؤثر می‌داند و می‌گوید محیط فیزیکی در نبود احساس امنیت جنسی شده است. او وابستگی ترس زنان از جرایم خشونت به فضا را مشخص کرد و در مطالعه مربوط به زنان این امر را به نابرابری جنسیتی مرتبط ساخت. ارتباط ترس از مکان‌های عمومی و اقدامات احتیاطی که زنان باید به واسطه آن اتخاذ نمایند متشکل از "توصیف فضایی مرد سالاری‌اند"، انتشار مفاهیم معمول درباره نقش زنان و مکانهایی است که برای استفاده آنها مناسب در نظر گرفته شده است. او در مورد نقش فضا در شکل‌گیری و تکثیر ساختارها و ایدئولوژی‌های مرد سالارانه معتقد است، جغرافیای ترس زنان، الگوهای غالب روابط سیاسی را تقویت می‌کند، با این حال هم روابط مرد سالارانه و هم ادراک زنان از خشونت مردان، به طور مستمر در حال تغییر است و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. همچنین خشونت جنسی و فیزیکی به عنوان انعکاس نابرابریهای جنسیتی محدود شده است.

کارپ، استن و یولز "ماهیت جنسی شده فضای شهری" را در نحوهٔ عمل فضای شهری برای محدودکردن تحرک پذیری زنان می‌دانند، این محدودیت به لحاظ فیزیکی با القای الگوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس و دسترسی محدود شده اعمال می‌شود و به لحاظ اجتماعی با انگاره‌هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری ارتباط دارد.

ترس زنان ناشی از ساختار روابط قدرت جنسیتی در جامعه است و محدودکردن زنان در به کارگیری فضا وسیله‌ای برای سلطه بر آنان است. به علاوه ترس زنان ناشی از جرم نیست بلکه نشانه‌ای از مناسبات قدرت است. در خانه مانند زنان، تغییر مسیر از خیابان همه و همه نشانه‌ای از مناسبات قدرت زنان در فضا در مقایسه با مردان است. زنان به عنوان تولیدکنندگان فعال فضا عمل کرده و آن را به نفع خودشان اصلاح می‌کنند.

پیامدهای ترس زنان از جرایم خشونت بر رفتار آنها در فضا، نه تنها ساختار روابط جنسیتی را منعکس می‌کند، بلکه آنها را تقویت نیز می‌نماید.

طبق پنج نظریه عنوان شده در خصوص تأثیر فضای جنسیتی بر احساس امنیت زنان می‌توان فرضیه زیر را عنوان نمود: به نظر می‌رسد به طور کلی فضای جنسیتی شده بر ادراک زنان از احساس امنیت تأثیر دارد، در عین حال در هر یک از نمونه‌ها (میدان مادر و راه آهن) متفاوت است.

روش شناسی تحقیق

رویکرد این پژوهش، به دلیل اینکه به تبیین متغیرها پرداخته می‌شود، کاربردی است. روند پژوهش نیز، به دلیل اینکه معرف‌های هر یک از متغیرهای فضای جنسیتی شده و احساس امنیت زنان با استفاده از مطالعه نظریه‌ها به دست آمده است غیرتجربی است. روش تحقیق تبیینی و شیوه کلی آن آزمون نظریه‌هاست. به طوری که برای پاسخ به سؤالات و آزمون فرضیه به دنبال تبیین متغیرها و تأثیر متغیر مستقل بر وابسته هستیم؛ در نهایت نقشه‌های شناختی و تصویر ذهنی زنان از دو میدان مورد مطالعه به صورت توصیفی نمایش داده می‌شوند. بنابراین از روش کمی برای اثبات فرضیه پژوهش بهره گرفته شده است. روش جمع آوری اطلاعات پیمایشی و ترکیبی است از پرسشنامه برای پاسخ به سؤال اول و آزمون فرضیه با استفاده از نرم افزار SPSS از مشاهده و مصاحبه برای ترسیم نقشه‌های ذهنی زنان از فضاهای دارای حس امنیت و فضاهای جنسیتی شده در محیط GIS استفاده شده است. تقلیل داده‌ها برای کمی نمودن اطلاعات، از نوع طیف لیکرت و مقیاس رتبه‌ای (۵ گزینه ای) است، که در ابتدا تعریف عملیاتی مفاهیم مربوط به هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته ضروری است.

جدول شماره ۳- تعریف عملیاتی هر یک از مفاهیم

مفاهیم	معرف درجه ۱	معرف درجه ۲	معرف درجه ۳
	نوع فعالیت‌ها (نحوه استفاده از فضا)		
	جاذبه فعالیت‌ها- غلبه فعالیت‌های مردانه-استفاده از فعالیت‌ها-سازگاری فعالیت‌ها با نیازهای زنان		
عملکرد جنسیتی فضا	نقش اجتماعی فضا (جاذبه و اجتماع پذیری در فضا)	تمایل به مشارکت زنان در فضا- تعامل و کنش اجتماعی فعال زنان در فضا- کنش اجتماعی غیر فعال در فضا	
	وضعیت دسترسی‌ها و حمل و نقل در فضا	دسترسی و اتصالات به پیرامون- دسترسی زنان به حمل و نقل عمومی- کارایی حمل و نقل عمومی در سرویس دهی به زنان	
نمایش عملکرد فضا	میزان مطلوبیت برخورد با زنان (رفتار استفاده کنندگان از فضا)	نوع نگرستن به زنان-نوع صحبت با زنان-رفتار بی‌نظم یا منظم با زنان-رفتار محترمانه یا غیر محترمانه با زنان	
تصرف جنسیتی فیزیکی فضا	سلطه مردان بر فضا در حوزه عمومی	تعداد و تجمع مردان در فضا-اختصاصی شدن برخی فضاها-تمایل به مکث و توقف زنان در فضا	

شهرت مکان	ذهنیت مثبت از محیط در نظر فرد و شنیده‌های او از دیگران - سابقه وقوع جرم در یک مکان- تصویر خوشایند یا ناخوشایند از یک مکان
تجربه زنان از ترس	تجربه آزار و اذیت تفسیر فضای شهری براساس تجربه فرد از فضا
تعلق خاطر داشتن و نداشتن احساس غربت	وابستگی و علاقه به محل - به یاد ماندن مکان‌ها و میزان ایجاد خاطره مثبت از محیط
خوانایی	درجه درک از یک فضا و وضوح آن
حضور افراد در فضا	شناسایی مسیر- ترسیم مسیر به صورت کروکی شلوغی و ازدحام جمعیت- کم جمعیت بودن مکان، حضور زنان دیگر در فضا
دسترسی داشتن	وجود امکان دید در روز و شب- دسترسی به کمک داشتن- دسترسی به حمل و نقل عمومی داشتن
زمان	میزان فعال بودن کاربری‌ها در طی شبانه روز- حضور در شب
نحوه به کار بردن و حضور در فضا	اجتناب از حرکت یا انتخاب برخی از خیابان‌ها و فضاها- میزان حضور در فضا- استفاده از فضا به تنهایی یا همراه کسی- ترس از قربانی شدن- احساس ناراحتی در فضای باز عمومی

نوع داده‌ها: کیفی (مقیاس لیکرت و مقیاس ۵-نقطه)

جامعه آماری^۱ مورد سنجش و تعیین حجم نمونه^۲

در پژوهش موجود جامعه آماری کلیه بانوان استفاده کننده از فضاهای میدان راه آهن و میدان مادر هستند، زانی که به طور دائم از این میدان عبور می کنند و یا در این میدانها نیازهایشان (مانند حمل و نقل، خرید، امور بانکی، اداری و غیره) را مرتفع می سازند. همچنین به دلیل اینکه آمار و اطلاع درستی از بانوان استفاده کننده از این دو فضا در دست نبود، نمونه گیری به صورت اتفاقی بود

و با مشورت استادان از فرمول کوکران برای به دست آوردن حجم نمونه استفاده شده است.
$$\frac{pqz^2}{e^2}$$

در این فرمول p همان درصد مورد انتظار (در اینجا ۷۰) و q معادل ۱۰۰ منهای p است (که در اینجا ۳۰ می شود). Z همان مقدار t برای سطح اطمینان انتخاب شده (۹۵٪) و E حداکثر خطای مجاز یا مطلوب در برآورد پارامتر جمعیت است (۵٪ خطا) (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۷۳). با این توضیحات حجم نمونه آماری در این پژوهش ۳۳۶ نفر است. پرسشنامه‌ها در اطراف هر دو میدان و خیابان‌های منتهی به میدان‌ها، در چند روز کاری (اواسط هفته) و ساعات مختلف توزیع شده است.

¹ Universe
² Sample Size

اعتبار^۱ و پایایی^۲

در این پژوهش، از دو روش برای تعیین اعتبار پژوهش استفاده شده است. ابتدا اعتبار محتوایی از نوع صوری مورد نظر بوده و به این منظور پرسشنامه در اختیار کارشناسان و متخصصان قرار گرفت تا میزان دقت و مرتبط بودن سؤالات را تعیین کنند. سپس تعدادی از سؤالات به صورت آزمایشی در اختیار استادان و استاد راهنما قرار گرفت و چند سؤال اصلاح شد. در ادامه از اعتبار سازه‌ای به عنوان روش دوم بهره گرفته شد. مهم‌ترین مدل آماری برای تعیین اعتبار سازه‌ای که با استفاده از داده‌های کمی اجرا می‌شود، شیوه تحلیل عامل است. با این شیوه متغیر فضای جنسیتی به دو عامل فعالیت جنسیتی مردان و حضور مردان و متغیر احساس امنیت زنان به سه عامل شناختی، رفتاری و عاطفی تقسیم شد. این عوامل براساس میزان همبستگی هر یک از بارهای عاملی و محتوای هر سؤال تعیین شده‌اند.

در تحلیل و بررسی میزان صحت سؤالات پرسشنامه و سنجش سطح مناسبت ابزار تحلیل، با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان ضرایب آلفای کرونباخ تمامی سؤالات محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ در مورد متغیر فضای جنسیتی ۰/۹۵۱ و در مورد متغیر احساس امنیت زنان ۰/۹۳۵ محاسبه شده است. این میزان در ۳۰ نمونه اولیه ۳ نیز بالاتر از ۰/۷ است. تجزیه و تحلیل داده‌ها، در دو مرحله آمار توصیفی (نما، میانه و میانگین به عنوان شاخص‌های گرایش مرکزی و دامنه تغییرات، واریانس و انحراف معیار به عنوان شاخص‌های پراکندگی) و آمار استنباطی (رگرسیون چند متغیره) انجام گرفته است، اما در این مقاله به توصیف متغیرها پرداخته نمی‌شود و فقط آمار استنباطی توضیح داده خواهد شد؛ در نهایت نقشه‌های توصیفی برای ارائه تصویر ذهنی زنان از دو متغیر اصلی پژوهش ترسیم می‌شود.

یافته‌های پژوهش

برای مقایسه هر یک از متغیرها در دو میدان مورد مطالعه، از روش t مستقل بهره گرفته شد. برای پاسخ به سؤال اول و اثبات فرضیه پژوهش از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است، به طوری که تأثیر فضای جنسیتی (و هر یک از عوامل آن) بر احساس امنیت (و هر یک از عوامل آن) در هر یک از میدان‌ها سنجیده می‌شود.

لازم به توضیح است در تفسیر میزان اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته از میزان B استفاده می‌شود و در مورد اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیش‌گویی معادله رگرسیون باید از مقادیر بتا استفاده کرد. از آنجایی که مقادیر بتا استاندارد شده است، براساس آن می‌توان در مورد اهمیت نسبی متغیرها قضاوت کرد. بزرگ بودن مقدار بتا نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیش‌گویی متغیر وابسته می‌باشد (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۸۲).

¹ Validity

² Reliability

³ Pre test

جدول شماره ۴: T دو گروه مستقل برای مقایسه دیدگاه زنان میدان راه آهن و میدان مادر در مورد فضای

جنسیتی حاکم و احساس امنیت

متغیر ملاک (وابسته)	نمونه مطالعه	مورد	میانگین	انحراف معیار	میزان T	درجه آزادی	سطح داری	معنی
فعالیت جنسیتی مردان	میدان مادر		۱۳/۳۲	۲/۹	۳		۰	۰
	میدان راه آهن		۲۴/۸	۲/۶	۹	۳۸/۶	۰/۰۱	۰
حضور مردان	میدان مادر		۱۸/۷	۴/۵	۱		۰	۰
	میدان راه آهن		۳۴/۱	۴/۸	۰	۳۷/۲	۰/۰۱	۰
فضای جنسیتی	میدان مادر		۳۱/۰	۵/۱	۳		۰	۰
	میدان راه آهن		۵۹/۹	۶/۱	۰	۴۵/۲	۰/۰۱	۰
بُعد شناختی احساس امنیت	میدان مادر		۳۴/۳۶	۳/۰	۳		۰/۰۰۱	۰
	میدان راه آهن		۱۹/۴	۳/۸۲	۰	۳۷/۵	۰/۰۰۱	۰
بُعد رفتاری احساس امنیت	میدان مادر		۲۶/۴	۳/۹	۰		۰/۰۰۱	۰
	میدان راه آهن		۱۸/۳۵	۳/۳۵	۰	۲۲/۵	۰/۰۰۱	۰
بُعد عاطفی احساس امنیت	میدان مادر		۲۲/۵	۳/۳	۳		۰	۰
	میدان راه آهن		۱۳/۲۲	۲/۸۵	۰	۲۶/۱	۰/۰۱	۰
احساس امنیت	میدان مادر		۸۲/۰	۷/۸	۵		۰	۰
	میدان راه آهن		۵۱/۲	۷/۷	۳	۳۸/۲	۰/۰۱	۰

جدول شماره ۵: مقایسه تأثیر فضای جنسیتی بر احساس امنیت زنان با استفاده از رگرسیون چند متغیره

متغیر ملاک (وابسته)	متغیر پیش بینی کننده (مستقل)	نمونه مورد مطالعه	میزان F	میزان B	ضریب بتا	میزان T	سطح معناداری
فضای جنسیتی	میدان مادر	۷۱/۳۵	-۰/۹	-۰/۴	-۸/۴	۰/۰۱	
		۹۹/۸	-۰/۵	-۰/۱	-۹/۵	۰/۰۱	
احساس امنیت	فعالیت جنسیتی مردان	۳۶/۶۴	-۰/۴	-۰/۱	-۰/۷	۰/۱۲	
		۴۹/۵	-۰/۶۸	-۰/۲۷	-۳/۹۸	۰/۰۰۱	
حضور مردان	میدان مادر	۳۶/۶۴	-۰/۹	-۰/۲	-۰/۸	۰/۰۱	
		۴۹/۵	-۰/۷۹	-۰/۴۴	-۶/۴۰	۰/۰۰۱	
بُعد شناختی احساس امنیت	فعالیت جنسیتی مردان	۲۱/۱	-۰/۹	-۰/۱	-۳/۱	۰/۰۳	
		۴۴/۹۰	-۰/۴۶	-۰/۳۵	-۵/۱۲	۰/۰۰۱	
حضور مردان	میدان مادر	۲۱/۱	-۰/۷	-۰/۶	-۴/۰	۰/۰۱	
		۴۴/۹۰	-۰/۳۲	-۰/۳۴	-۴/۸۸	۰/۰۰۱	
بُعد رفتاری احساس امنیت	فعالیت جنسیتی مردان	۳۲/۸	-۰/۲	-۰/۱	-۰/۵	۰/۰۰	
		۱۱/۰۳	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۱/۵	۰/۹۲	
حضور مردان	میدان مادر	۳۲/۸	-۰/۹	-۰/۲	-۷/۹	۰/۰۱	
		۱۱/۰۳	-۰/۰	-۰/۶	-۴/۷	۰/۰۱	
بُعد عاطفی احساس امنیت	فعالیت جنسیتی مردان	۱۳/۸	-۰/۴	-۰/۷	-۲/۰	۰/۲۲	
		۲۵/۷	-۰/۱	-۰/۲	-۴/۴	۰/۰۱	
حضور مردان	میدان مادر	۱۳/۸	-۰/۳	-۰/۹	-۳/۹	۰/۰۱	
		۲۵/۷	-۰/۶	-۰/۴	-۳/۹	۰/۰۲	

با توجه به جدول شماره ۴ و با تأکید بر مقادیر t به دست آمده، می‌توان گفت که تفاوت معناداری در سطح $\alpha=0/01$ بین میانگین دیدگاه زنان در مورد فضای جنسیتی حاکم در میدان راه آهن و میدان مادر وجود دارد. از این‌رو، با رجوع به میانگین‌های هر دو گروه و با توجه به اینکه میانگین زنان میدان راه آهن در متغیرهای «فعالیت جنسیتی مردان» و «حضور مردان» بالاتر از زنان میدان مادر است، می‌توان گفت زنان میدان راه آهن بیشتر از زنان میدان مادر به حاکم بودن فضای جنسیتی اعتقاد دارند.

در ادامه اثبات این فرضیه پژوهش که به نظر می‌رسد به طور کلی فضای جنسیتی شده بر ادراک زنان از احساس امنیت مؤثر است و در عین حال در دو نمونه مورد نظر (میدان مادر و راه آهن) با هم تفاوت دارد. می‌توان به جدول شماره ۵ و رگرسیون چند متغیره که میزان و شدت تأثیر هر یک از متغیرها را اندازه گیری می‌نماید، استناد کرد. با توجه به جدول فوق و تأکید بر میزان F به دست آمده، می‌توان گفت ارتباط معناداری بین متغیرهای مستقل و وابسته در سطح $\alpha=0/01$ مشاهده می‌شود. از این‌رو، برای شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون می‌توان از جدول ضرایب رگرسیون استفاده کرد. تفسیر جدول فوق نشان می‌دهد که اولاً ارتباط منفی معناداری میان هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد، به این معنی که با بالا رفتن مقدار هر یک از متغیرهای مستقل، متغیر وابسته کاهش می‌یابد و بالعکس. ثانیاً یک واحد تغییر در انحراف معیار فضای جنسیتی در میدان مادر باعث می‌شود انحراف معیار احساس امنیت به اندازه $0/79+$ کاهش یابد، در صورتی که این مقدار در میدان راه آهن $0/75+$ است. در مورد تأثیر هر یک از عوامل فضای جنسیتی باید گفت یک واحد تغییر در انحراف معیار فعالیت جنسیتی مردان در میدان مادر باعث می‌شود انحراف معیار احساس امنیت به اندازه $0/54+$ کاهش یابد. این مقدار در مورد حضور مردان $0/89+$ است. در صورتی که یک واحد تغییر در انحراف معیار فعالیت جنسیتی مردان در میدان راه آهن باعث می‌شود انحراف معیار احساس امنیت به اندازه $0/68+$ کاهش یابد. این مقدار در مورد حضور مردان $0/79+$ است. به همین ترتیب در تفسیر عوامل دیگر می‌توان گفت یک واحد تغییر در میزان انحراف معیار فعالیت جنسیتی مردان در میدان مادر باعث می‌شود انحراف معیار عامل شناختی احساس امنیت به اندازه $0/29+$ کاهش یابد. این مقدار در مورد حضور مردان $0/27+$ است. در صورتی که یک واحد تغییر در انحراف معیار فعالیت جنسیتی مردان در میدان راه آهن باعث می‌شود انحراف معیار عامل شناختی احساس امنیت به اندازه $0/46+$ کاهش یابد. این مقدار در مورد حضور مردان $0/32+$ است. در تفسیر عامل رفتاری احساس امنیت می‌توان گفت یک واحد تغییر در میزان انحراف معیار فعالیت جنسیتی مردان در میدان مادر باعث می‌شود انحراف معیار عامل رفتاری احساس امنیت به اندازه $0/02+$ کاهش یابد. این مقدار در مورد حضور مردان $0/39+$ است. در صورتی که یک واحد تغییر در انحراف معیار فعالیت جنسیتی مردان در میدان راه آهن باعث می‌شود انحراف معیار عامل رفتاری احساس امنیت به اندازه $0/09+$

کاهش یابد. این مقدار در مورد حضور مردان $0/30+$ است. در تفسیر عامل عاطفی احساس امنیت می‌توان گفت یک واحد تغییر در میزان انحراف معیار فعالیت جنسیتی مردان در میدان مادر باعث می‌شود تا انحراف معیار عامل عاطفی احساس امنیت به اندازه $0/24-$ کاهش یابد. این مقدار در مورد حضور مردان $0/23+$ است. در صورتی که یک واحد تغییر در انحراف معیار فعالیت جنسیتی مردان در میدان راه آهن باعث می‌شود انحراف معیار عامل عاطفی احساس امنیت به اندازه $0/31-$ کاهش یابد. این مقدار در مورد حضور مردان $0/16-$ است.

تفاوت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در میدان مادر و راه آهن را می‌توان براسا میزان بتا مشخص کرد به طوری که در جدول شماره ۵ این تفاوت آمده است.

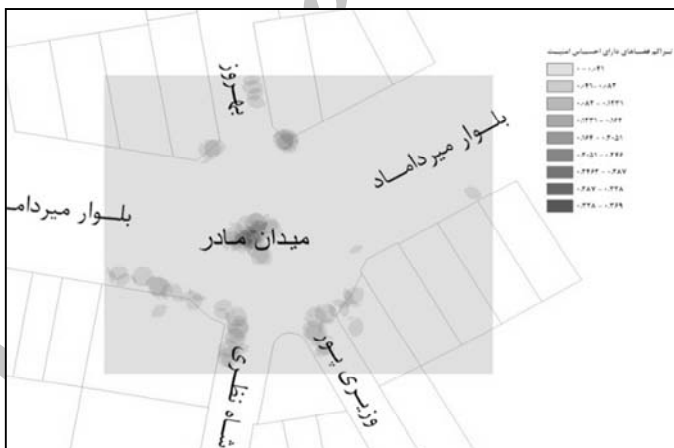
- مقدار بتای تأثیر متغیر حضور مردان بر بُعد شناختی احساس امنیت در میدان مادر بیشتر از تأثیر فعالیت جنسیتی مردان در این میدان است.
- مقدار بتای تأثیر متغیر حضور مردان بر بُعد رفتاری احساس امنیت در میدان مادر بیشتر از تأثیر فعالیت جنسیتی مردان در این میدان است.
- مقدار بتای تأثیر متغیر حضور مردان بر بُعد عاطفی احساس امنیت در میدان مادر بیشتر از تأثیر فعالیت جنسیتی مردان در این میدان است.
- مقدار بتای تأثیر متغیر فعالیت جنسیتی مردان بر بُعد شناختی احساس امنیت در میدان راه آهن بیشتر از تأثیر حضور مردان در این میدان است.
- مقدار بتا در تأثیر متغیر فعالیت جنسیتی مردان بر بُعد رفتاری احساس امنیت در میدان راه آهن بیشتر از تأثیر حضور مردان در این میدان است.
- مقدار بتا در تأثیر متغیر فعالیت جنسیتی مردان بر بُعد عاطفی احساس امنیت در میدان راه آهن بیشتر از تأثیر حضور مردان در این میدان است.

در پاسخ به سوال دوم در خصوص چگونگی تصویر ذهنی و نقشه‌های شناختی زنان از احساس امنیت و فضای جنسیتی در میدان مادر و راه آهن، از زنان مورد مطالعه خواسته شد نقاطی را در میدان و خیابان‌های اطراف آن نشان دهند که فعالیت‌ها و حضور مردان در آن بیشتر است و نقاطی را که ترجیح می‌دهند از آنجا عبور کنند و احساس امنیت بیشتری دارند روی نقشه مشخص نمایند. نتیجه مصاحبه به شکل نقاطی وارد محیط GIS شد و از روی نقاط انتخابی زنان استفاده کننده از هر یک از فضاها، این سؤال تحلیل شد. به علاوه برداشت میدانی از فعالیت‌ها با توجه به کاربری‌های موجود در محیط اطراف و خیابان‌های منتهی به هر یک از میادین صورت گرفته است. همچنین مشاهده منظم بر اساس فعالیت‌های استفاده کنندگان هر یک از میادین انجام گرفت تا بتوان نقشه‌های شناختی زنان را با عینیت‌های تعریف کننده این گونه فضاها مطابقت داد.



نقشه شماره ۱: تحلیل تراکم نقطه‌های فضاهای جنسیتی شده در میدان مادر

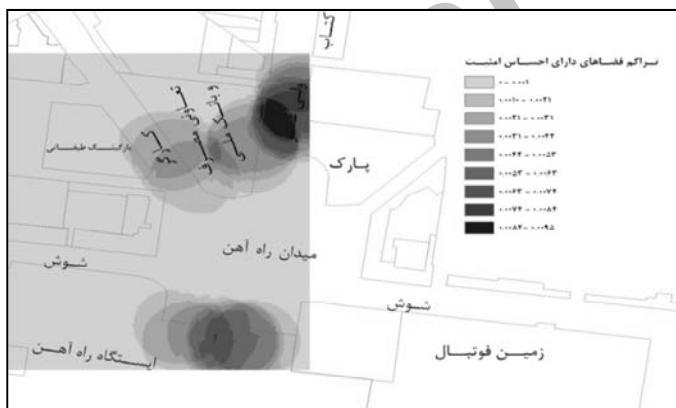
همان طور که در نقشه شماره ۱ مشخص شده است، بیشترین فضای جنسیتی میدان مادر، در شمال شرق بلوار میرداماد واقع است، به طوری که طبق برداشت میدانی در این قسمت فقط حضور راننده تاکسی‌ها و برخی از مسافران مرد موجب شده است از دیدگاه زنان این فضا به لحاظ جنسیتی شاخص باشد. بنابراین معنی جنسیتی شدن برای زنان میدان مادر تجمع تعدادی از مردان است.



نقشه شماره ۲: تحلیل تراکم نقطه‌های فضاهای دارای احساس امنیت در میدان مادر

اما همان طور که در نقشه شماره ۲ مشخص شده است، اکثر زنان میدان مادر را به لحاظ وجود احساس امنیت مناسب دانسته‌اند. البته در این میان خیابان وزیری پور و شاه نظری از لحاظ احساس امنیت تراکم بیشتری دارد. لازم به ذکر است که مشاهدات انجام شده در این میدان مشخص کرد که اولاً میدان مادر به لحاظ عملکردی دارای عملکرد تجاری-اداری است و به علت وجود فروشگاهها و مراکز تجاری، بورس انواع پوشاک زنانه و بچگانه، جواهرفروشی و لباسهای عروس به

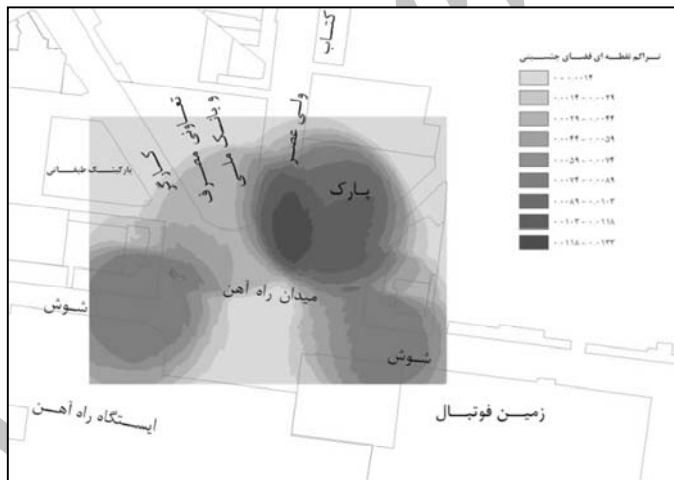
خصوص در دو خیابان نام برده، نوع فعالیت‌ها بیشتر زنانه است. در نتیجه درصد زیادی استفاده کنندگان از این میدان را زنان تشکیل می‌دهند. ثانیاً وجود راسته‌ها و مجتمع‌های فعالیتی متنوع دارای رده عملکردی شهری و فراشهری است و تأثیر این فعالیت‌ها در سرزندگی محیط آن در شب و روز بسیار حائز اهمیت است، به گونه‌ای که توانسته است این میدان را به یک فضای جمعی تبدیل کند. وجود معابر پر رفت و آمد و سرزنده، فروشگاه‌های متنوع لباس، طلافروشی‌ها، ادارات دولتی و شرکت‌های خصوصی این میدان را به فضایی برای مکث، تعاملات و کنش‌های اجتماعی تبدیل کرده است و به واسطه عملکرد فرامنطقه‌ای تا دیر هنگام شب فعال است و سیمای شبانه فضاهای شهری منور و سرزنده را به نمایش می‌گذارد. همه این ویژگی‌ها حس امنیت مطلوبی برای زنان استفاده کننده از میدان مادر به همراه دارد. نقشه‌های شناختی زنان در میدان راه آهن دارای نتایج متفاوتی است، به طوری که تعداد پاسخگویان به سؤال فضای جنسیتی در میدان راه آهن خیلی بیشتر از پاسخگویانی است که این فضا را دارای احساس امنیت دانسته‌اند، زیرا اکثر زنان کل میدان را جنسیتی می‌دانستند و به تبع آن فاقد حس امنیت.



نقشه شماره ۳: تحلیل تراکم نقطه‌ای فضاهای جنسیتی شده در میدان راه آهن

با این توضیحات نقشه شماره ۳ نشان دهنده فضاهای جنسیتی شده است. تحلیل تراکمی در این نقشه نشان می‌دهد که بیشترین قسمت جنسیتی شده، حد فاصل خیابان ولی عصر و شوش شرقی است. طبق مشاهده انجام شده، در این قسمت میدان پارکی قرار دارد که نه تنها فضایی جمعی و مکانی برای حضور تمام استفاده کنندگان از میدان نیست، بلکه به فضایی برای تجمع معتادان، اشرار، دست فروشان و محل استراحت برخی از مسافران تبدیل شده و فعالیت‌هایی مانند قهوه خانه، طبخ‌های و انواع اغذیه فروشی‌ها این قسمت را در بر گرفته است. بنابراین معنی جنسیتی شدن فضا برای زنان میدان راه آهن هر دو مفهوم تجمع مردان و فعالیت‌های مردانه را در بر می‌گیرد. در مورد فضاهای دارای احساس امنیت در میدان راه آهن می‌توان گفت، تعداد محدودی به این سؤال پاسخ داده‌اند و

طبق نقشه ذهنی زنان (نقشه شماره ۴) از این سؤال می‌توان دریافت که خیابان ولی عصر نسبت به سایر فضاها حس امنیت بیشتری برای زنان به همراه داشته است. طبق مشاهده انجام شده، در این قسمت یک ساختمان اداری متعلق به شهرداری ناحیه ۴ وجود دارد و پایانه اتوبوسرانی در انتهای پارک و ابتدای خیابان ولی عصر قرار گرفته است. بنابراین زنان، ایستگاه‌هایی مانند ایستگاه اتوبوس و راه آهن را دارای اهمیت بیشتر دانسته‌اند. به علاوه میدان راه آهن نقش عبوری و ترافیکی دارد و از گره‌های بحرانی در شبکه معابر محسوب می‌شود و مکانی است برای پایانه‌های مسافربری، تجمع مسافرهای شخصی، قهوه‌خانه‌ها، مسافرخانه‌ها، تعمیرات اتومبیل و فعالیت‌هایی از این دست که برای زنان نه تنها جذابیتی ندارد، بلکه به فضایی مردانه تبدیل شده است. فقدان نظام محله بندی مشخص، فقر نشانه‌های بصری، عدم وضوح و خوانایی بافت و در نتیجه عدم حس تعلق و نبودن تصویر ذهنی مشخص از ویژگی‌های دیگر آن است. این میدان همچنین طیف مختلفی از افراد دارای فرهنگ‌های متفاوت را به دلیل وجود ایستگاه راه آهن در خود جای داده است. همه این عوامل موجب می‌شود این میدان در مقایسه با میدان مادر، دارای خصلت و ویژگی منحصر به خود بر اساس دو عامل فضای جنسیتی و عدم حس امنیت باشد.



نقشه شماره ۴: تحلیل تراکم نقطه‌ای فضاهای دارای احساس امنیت در میدان راه آهن

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش را می‌توان در چند مورد دسته بندی نمود:

- هرچه فضا جنسیتی شده‌تر باشد، احساس امنیت زنان در آن پایین‌تر خواهد بود، بنابراین میان این دو متغیر رابطه‌ای معکوس وجود دارد. به این ترتیب که میدان مادر از نظر زنان احساس امنیت بیشتر ایجاد می‌کند، در نتیجه راحت‌تر در فضا حضور دارند و آن را

عاری از خطرهای احتمالی از سوی مردان می‌دانند، اما عکس این موضوع در میدان راه آهن وجود دارد، به طوری که زنان در این میدان احساس امنیت نمی‌کنند و فضا را مملو از حضور مردان می‌دانند و ترس از قربانی شدن در آنها وجود دارد.

- عوامل فعالیت جنسیتی مردان و حضور زنان بر هر یک از عوامل احساس امنیت تأثیر متفاوتی دارد، به طوری که در میدان مادر عامل حضور مردان در فضا نسبت به عامل دوم دارای تأثیر بیشتری است، ولی در میدان راه آهن عامل فعالیت مردانه تأثیر بیشتری بر عدم احساس امنیت زنان را دارد.
- نتایج تحلیل تصویر ذهنی زنان بر اساس سه عامل تعیین کننده فضای جنسیتی (نظریه رندل، لوفور، تانکیس، پین، والتین و ...) نشان می‌دهد که اولاً نحوه استفاده از فضا (تصرف فیزیکی فضا) در میدان مادر تحت تأثیر حضور غالب زنان در این میدان است. ثانیاً این نوع حضور با عامل دوم فضای جنسیتی یعنی نوع عملکردها و فعالیت‌ها در میدان مادر ارتباط دارد. به گونه‌ای که عملکرد عمده میدان مادر تجاری و اداری است و تنوع فعالیت‌ها و مهم‌تر از آن نوع فعالیت‌ها (مثل پوشاک زنانه، بورس لوازم مراسم ازدواج، لوازم آرایشی و بهداشتی و...) بیشتر برای زنان دارای جذابیت است و همین امر زمینه حضور زنان در فضا را فراهم کرده است. ثالثاً در میدان مادر نوع برخورد با زنان، نوع نگاه، صحبت کردن و رفتار با آنها محترمانه بوده و مردان رفتاری منطقی با زنان داشته‌اند. بنابراین بازنمایی‌های فضایی در میدان مادر تحت تأثیر دو عامل دیگر نحوه استفاده و عملکرد فضا به نفع زنان وجود دارد.
- تصرف فیزیکی فضا در میدان راه آهن یا نحوه استفاده از فضا تحت تأثیر حضور غالب مردان و سلطه فضایی آنان است. این حضور با عامل دوم یعنی عملکرد فضا ارتباط دارد، به طوری که عملکرد عمده میدان راه آهن ترافیکی و فعالیت عمده آن تجاری از نوع اغذیه فروشی، طبایخی و رستورانهای کوچکی است که مشتری آنها فقط مردان هستند. عامل سوم نمایش عملکرد فضا است که از طریق بازنمایی‌های فضایی قابل مشاهده و درک است. نوع برخورد، نوع صحبت و رفتار غیرمحترمانه و بی‌نظم با زنان نشان دهنده بازنمایی‌های فضایی است که تحت تأثیر دو عامل دیگر نحوه استفاده از فضا و عملکرد فضا به نفع مردان وجود دارد.

منابع فارسی

- آبوت، پ. و والاس، ک. (۱۳۸۸). **جامعه شناسی زنان**. ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی، چاپ ششم.
- استیونسون، د. (۱۳۸۸). **شهرها و فرهنگ شهروندی**، ترجمه رجب پناهی، انتشارات معاونت شهرسازی و معماری.
- بلیکی، ن. (۱۳۸۴). **طراحی پژوهش های اجتماعی**، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات نی.
- بیات، ب. (۱۳۸۸). **جامعه شناسی احساس امنیت**، انتشارات امیرکبیر.
- بودراتچی، م. (۱۳۸۱). **فضاهای بدون دفاع**، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۱.
- تاجیک، م. ر. (۱۳۸۰). **مقدمه ای بر استراتژی های امنیت ملی ج.ا.ا. رهیافت ها و راهبردها**، تهران فرهنگ گفتمان.
- تانکیس، ف. (۱۳۸۸). **فضا، شهر و نظریه اجتماعی**، مناسبات اجتماعی و شکل های شهری، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.
- تمدن، ر. (۱۳۸۷). **زنان و فضاهای شهری**، مجله جستارهای شهرسازی شماره ۲۴-۲۵.
- جاکوبز، ج. (۱۳۸۹). **مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی**، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی انتشارات دانشگاه تهران.
- شکویی، ح. (۱۳۷۴). **دیدگاه های نو در جغرافیای شهری**، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ دوم.
- کارمونا، م. و هیت، ت. و تیسدل، ا. (۱۳۸۸). **مکان های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری شهری**، ترجمه فریبا قرائی فتح آبادی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی، نشر دانشگاه هنر.
- مدنی پور، ع. (۱۳۸۴). **طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی - مکانی**، ترجمه فرهاد مرتضایی، نشر شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- مدنی پور، ع. (۱۳۸۷). **فضاهای عمومی و خصوصی شهر**، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی، چاپ اول.
- مدیری، آ. (۱۳۸۵). **جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر**، فصلنامه علمی پژوهش رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲

- نرسیسیانس، ا. (۱۳۸۳). **مردم شناسی جنسیت**، نشر افکار سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول.
- یلدا، ت. (۱۳۸۰). **جنسیت، اعضای شهری و جامعه مدنی**، شهرداریها سال سوم شماره ۲۶.

منابع انگلیسی

- Bannister, J and Fyfe, N. (2001). **Introduction: Fear and the City**, in Urban Studies Publisher Routledge
- Cuthbert, A. (2006). **Chapter Six: Gender. the form of cities**, Black well publishing, p. 128
- Knopp, L. (2003). **JSexuality and Urban Space:A Framework for Analysis**, in A. Cuthbert, Designing Cities: Critical Readings in Urban Design, Black well publishing, p. 194-199
- Koskela, H. and Pain, R. (2000). **Revisiting fear and place: women's fear of attack and the built environment**, Geoforum31
- Koskela, H. (1997). **Bold walks and breakings: women's spatial confidence versus fear of violence"** Gender, place and culture
- Pain, R. (1995). **Social Geographies of Woman's Fear of Crime, Division of Geography and Environmental Management**, University of Northumbria Newcastle- upon- Tyne NE18ST, pp 236
- Rendell, J. (2000). **Introduction: 'Gender, Space, in Gender space architecture an interdisciplinary introduction**. London and New York, Routledge, pp101
- Safety and Safety Promotion: **Conceptual and Operational Aspects, World Organisation**, Centre on Community Safety Promotion Karolinska Institutet, Sweden, September 1998
- Thomas, H. R. (2006). **Safy City Strateg**, Site Planing And Design Handbook, New York, Graw-Hill Companies, November
- Wilson, E. (2000). **Into the Labyrinth, in Gender space architecture an interdisciplinary introduction**. London and New York, Routledge, pp152
- www.pps.org, 2005